



در اسناد فرادستی
جمهوری اسلامی ایران

میشم بلباسی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سخنی با خواننده ۱۳

مقدمه ۱۵

فصل اول: مبانی و کلیات پژوهش

۱. مقدمه ۲۷

۲. پیشینه پژوهش ۳۱

۱-۲. چیستی هویت، انواع و ویژگی های آن ۳۲

۲-۲. هویت ملی ایرانی و عناصر و مؤلفه های آن ۳۳

۲-۳. هویت ملی ایرانی و اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران ۳۷

۳. اهداف پژوهش ۴۰

۴. روش شناسی پژوهش ۴۰

فصل دوم: مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱. مقدمه ۴۳

۲. پارادایم های هویت ملی ۴۴

۱-۲. پارادایم ازلی انگاری ۴۴

۲-۲. پارادایم جاویدانگاری ۴۹

۲-۳. پارادایم مدرنیسم ۵۲

هویت ملی در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران
 میثم بلباسی
 ناشر
 پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
 وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
 تهیه
 پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
سرویراستار
 محمدباقر انصاری
لیتوگرافی، چاپ و صحافی
 چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷
شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان
عنوان: ۵۰۵؛ مسلسل: ۸۰۰

نشانی
 قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر
 پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
تلفن و دورنگار: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۳
ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸
کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱
مراکز پخش
 ۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴-۰۲۵
 ۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی در دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۳۴
وبگاه: www.pub.isca.ac.ir
رایانامه: nashr@isca.ac.ir
فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir
فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajoohaan.ir
همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه: بلباسی، میثم، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور: هویت ملی در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران / میثم بلباسی؛ تهیه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
مشخصات نشر: قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۵۰۴ ص.: جدول، نمودار
شابک: ۸۰۰۰۰۰ ریال: 978-600-195-477-1
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۴۵۱]- ۴۷۸؛ همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت: نمایه
موضوع: سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی
موضوع: ویژگی های ملی ایران
موضوع: اسلام - ایران - آینده نگری
موضوع: ایران - سیاست اقتصادی - آینده نگری
شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت پژوهشی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ هـ ۸ ب/ ۶۵ DSR
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۹۵۱۲۴

فصل سوم:

هویت ملی ایرانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۳	۱. مقدمه	۵۹	۲-۴. پارادایم نمادگرایی قومی
۱۳۶	۲. گفتن انقلاب اسلامی و هویت ملی	۶۳	۲-۵. پارادایم ابزارانگاری
۱۴۲	۳. امام خمینی ؛ و هویت ملی	۶۵	۲-۶. پارادایم پست مدرنیسم
۱۴۸	۴. اصول و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی	۷۰	۳. رویکردهای هویت ملی
۱۴۹	۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مفهوم ملت	۷۰	۳-۱. رویکرد ذات‌گرایی
۱۵۰	۵-۱. ملت فرهنگی در قانون اساسی	۷۳	۳-۲. رویکرد سازه‌نگاری یا ساخت‌گرایی
۱۵۱	۵-۲. ملت سیاسی در قانون اساسی	۷۶	۳-۳. رویکرد گفتمانی
۱۵۲	۶. آرمان‌شهر «جامعه‌آسوه» به مثابه غایت قانون اساسی ج.ا. ایران	۸۱	۳-۴. رویکرد جهان‌زیستی
۱۵۳	۶-۱. ویژگی‌های فرد در جامعه‌آسوه	۸۸	۴. مفهوم‌شناسی هویت، ملیت و هویت ملی
۱۵۴	۶-۲. ویژگی‌های ملت در جامعه‌آسوه	۸۸	۴-۱. هویت: موضوعی میان‌رشته‌ای
	۷. بررسی مقایسه‌ای برجستگی لایه‌های هویت ملی ایرانی در قانون اساسی	۹۰	۴-۲. تعاریف مختلف هویت
۱۵۵	جمهوری اسلامی ایران	۹۶	۴-۳. شاخص‌های هویت
۱۵۹	۷-۱. لایه هویت اسلامی	۹۸	۴-۴. انواع هویت
۱۶۰	۷-۱-۱. اصول، ضوابط و قوانین اسلامی	۹۹	۴-۵. مفهوم برجستگی هویت
۱۶۱	۷-۱-۲. هویت دینی: عقاید و آموزه‌های اسلامی	۱۰۰	۴-۶. تعاریف ملت و ملیت
۱۶۳	۷-۱-۳. عدالت‌طلبی	۱۰۶	۴-۷. سه برداشت از ملت
۱۶۵	۷-۱-۴. ولایت فقیه	۱۰۷	۴-۸. عوامل عینی تشکیل‌دهنده ملت
۱۶۷	۷-۱-۵. مذهب تشیع	۱۱۱	۴-۹. ملت‌های تاریخی
۱۶۹	۷-۱-۶. حکومت جمهوری اسلامی	۱۱۴	۴-۱۰. سطوح هویت
۱۷۱	۷-۱-۷. امر به معروف و نهی از منکر	۱۲۱	۴-۱۱. ابعاد هویت ملی
۱۷۲	۷-۱-۸. مبارزه با ظلم، سلطه، استعمار و استبداد	۱۲۴	۴-۱۲. مؤلفه‌های هویت ملی
۱۷۴	۷-۱-۹. آزادی	۱۲۷	۴-۱۳. کارویژه‌های هویت ملی
		۱۳۰	۵. نتیجه‌گیری

۲۲۶	۲. متن سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران	۱۷۵	۷-۱-۱۰. دفاع و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان
۲۳۰	۳. اصول و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران از منظر سند چشم‌انداز ج.ا. ایران	۱۷۷	۷-۱-۱۱. استقلال‌طلبی
۲۳۲	۴. هویت ملی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای	۱۷۹	۷-۱-۱۲. امت‌گرایی (ائتلاف و اتحاد امت جهان اسلام)
	۵. بررسی مقایسه‌ای برجستگی لایه‌های هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز	۱۸۲	۷-۲. لایه هویت ایرانی
۲۴۷	بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران	۱۸۵	۷-۲-۱. آمیختگی دو فرهنگ اسلام و ایران
۲۴۸	۵-۱. لایه هویت اسلامی	۱۸۶	۷-۲-۲. زبان و خط فارسی
۲۴۸	۵-۱-۱. اتکال به قدرت لایزال الهی در پرتو ایمان	۱۹۰	۷-۲-۳. تاریخ ایران
۲۴۹	۵-۱-۲. هویت اسلامی - انقلابی	۱۹۲	۷-۲-۴. سرزمین ایران
۲۵۲	۵-۱-۳. الهام‌بخش در جهان اسلام	۱۹۳	۷-۲-۵. پرچم ملی ایران
۲۵۷	۵-۱-۴. اصول اخلاقی (جامعه اخلاقی) و ارزش‌های اسلامی و انقلابی	۱۹۵	۷-۲-۶. میراث فرهنگی ایران
۲۶۱	۵-۱-۵. مردم‌سالاری دینی و پیوستگی مردم و حکومت	۱۹۶	۷-۲-۷. فرهنگ تساهل و مدارا
۲۶۳	۵-۱-۶. عدالت اجتماعی	۱۹۸	۷-۲-۸. دفاع از سرزمین
۲۶۶	۵-۱-۷. آزادی‌های مشروع	۲۰۰	۷-۲-۹. وحدت و همبستگی ملی
۲۶۸	۵-۱-۸. حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها	۲۰۳	۷-۳. لایه هویت متجددانه و جهانی
۲۷۱	۵-۱-۹. فرصت‌های برابر و به دور از فقر، فساد و تبعیض	۲۰۴	۷-۳-۱. جامعه و شهر مدرن (صنعتی)
۲۷۴	۵-۱-۱۰. روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی	۲۰۴	۷-۳-۲. علوم مختلف، فناوری و تجارب پیشرفته بشری
۲۷۶	۵-۱-۱۱. متعهد به انقلاب و نظام اسلامی	۲۰۵	۷-۳-۳. تفکیک قوا و انتخابات
۲۷۹	۵-۱-۱۲. تأثیرگذار در همگرایی اسلامی و منطقه‌ای	۲۰۷	۷-۳-۴. رسانه‌های ارتباطی دیداری و شنیداری
۲۸۳	۵-۱-۱۳. تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی ;	۲۰۸	۷-۳-۵. وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی
۲۸۵	۵-۱-۱۴. تعامل سازنده با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت	۲۱۰	۷-۳-۶. خلاقیت، کارآفرینی و نوآوری
۲۹۴	۵-۲. لایه هویت ایرانی	۲۱۹	۸. نتیجه‌گیری
۲۹۴	۵-۲-۱. عزم ملی		
۲۹۵	۵-۲-۲. مقتضیات فرهنگی		
۲۹۷	۵-۲-۳. مقتضیات جغرافیایی		
			فصل چهارم:
			هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران
			۱. مقدمه
			۲۲۳

۳۵۹	۴-۲-۱. لایه هویت اسلامی
۳۶۱	۴-۲-۲. لایه هویت ایرانی
۳۶۴	۴-۲-۳. لایه هویت متجددانه و جهانی
۳۶۷	۴-۳. گفتمان حاکم در برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران
۳۷۲	۴-۴. برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳-۱۳۷۷)
۳۷۳	۴-۴-۱. لایه هویت اسلامی
۳۷۶	۴-۴-۲. لایه هویت ایرانی
۳۷۷	۴-۴-۳. لایه هویت متجددانه و جهانی
۳۷۹	۴-۵. گفتمان حاکم در برنامه سوم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران
۳۸۷	۴-۶. برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
۳۸۷	۴-۶-۱. لایه هویت اسلامی
۳۹۰	۴-۶-۲. لایه هویت ایرانی
۳۹۱	۴-۶-۳. لایه هویت متجددانه و جهانی
۳۹۳	۴-۷. برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)
۳۹۴	۴-۷-۱. لایه هویت اسلامی
۳۹۶	۴-۷-۲. لایه هویت ایرانی
۴۰۰	۴-۷-۳. لایه هویت متجددانه و جهانی
۴۰۲	۴-۸. گفتمان حاکم در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران
۴۰۸	۴-۹. برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۵)
۴۰۹	۴-۹-۱. لایه هویت اسلامی
۴۱۳	۴-۹-۲. لایه هویت ایرانی
۴۱۶	۴-۹-۳. لایه هویت متجددانه و جهانی
۴۴۰	۵. نتیجه گیری

۳۰۰	۵-۲-۴. مقتضیات تاریخی
۳۰۳	۵-۲-۵. ارزش های ملی
۳۰۵	۵-۲-۶. تولید ملی و جایگاه اول اقتصادی در منطقه
۳۰۸	۵-۲-۷. امن، مستقل و مقتدر
۳۱۰	۵-۲-۸. فعال، مسئولیت پذیر و ایثارگر
۳۱۱	۵-۲-۹. شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن
۳۱۷	۵-۳. لایه هویت متجددانه و جهانی
۳۱۷	۵-۳-۱. قانون اساسی و سند چشم انداز
۳۱۸	۵-۳-۲. کوشش برنامه ریزی شده و مدیرانه جمعی
۳۱۸	۵-۳-۳. توسعه یافته / توسعه کارآمد
۳۲۰	۵-۳-۴. برخوردار از دانش پیشرفته و جنبش نرم افزاری و تولید علم
۳۲۲	۵-۳-۵. نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی
۳۲۹	۶. نتیجه گیری

فصل پنجم:

هویت ملی ایرانی در برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران

۳۳۳	۱. مقدمه
۳۳۴	۲. سیاستگذاری فرهنگی - هویتی در جمهوری اسلامی ایران
۳۴۲	۳. جایگاه اصول، آرمان ها، فرهنگ و هویت در سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران
۳۴۷	۴. بررسی مقایسه ای برجستگی لایه های هویت ملی ایرانی در برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران
۳۵۰	۴-۱. گفتمان حاکم در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران
۳۵۸	۴-۲. برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

فرجام سخن	۴۴۵
کتابنامه	۴۵۱
نمایه	۴۷۹
آیات	۴۷۹
روایات	۴۸۲
موضوعات	۴۸۳
اعلام و مشاهیر	۴۹۷
کتاب‌ها	۵۰۰
مکان‌ها	۵۰۱
تسالگان	۵۰۲
مقالات	۵۰۳

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید، قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان براساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف، تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد.

این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی

را به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی پیرامون اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری را ارائه کند.

کتاب حاضر با هدف شناخت و بیان مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی و بررسی و مقایسه آنها در اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران تدوین و برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند. پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف آقای میثم بلباسی، ناظر علمی آقای دکتر علی کریمی مله، ارزیاب آقای دکتر علیرضا زهیری، مدیر گروه آقای دکتر رضا عیسی‌نیا، مدیر اداره امور پژوهشی آقای دکتر محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران تشکر و قدردانی کند؛ همچنین از رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر نجف لک‌زایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی مهم در به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر نماید. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه به جهت آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود. این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادات و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی تفکر در جامعه اسلامی را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

هویت به معنای تعریف و تفسیری آگاهانه از «خود فردی» یا «مای جمعی» که کیستی فردی و چیستی اجتماعی افراد و گروه‌ها را می‌نماید، در سطوح فردی و جمعی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های اندیشه‌ورزان اجتماعی بوده است. هویت مفهومی دوجبهی است که همزمان بر تمایز و افتراق و تشابه و اشتراک دلالت می‌کند. از یک‌سو با تأکید بر مشترکات و ملاک‌های پیونددهنده «ما» را پیرامون محوری واحد همبسته و متعهد می‌کند و از دیگر سوی «ما» را از «دیگران» باز می‌شناساند. بدین‌سان ایده هویت در بطن خود همسازی و دربرگیرنده و واسازی و برون‌راندن را نهفته دارد. این مؤلفه تمایزبخش و همبسته‌ساز، در عین برخورداری از مانایی و پویایی، از خصیصه زمان و زمینه‌پروردگی نیز برخوردار است و همچنین امری تراکمی و انباشتی است و در فرایند یادگیری اجتماعی تکوین یافته و از سیالیت و پویایی برخوردار است؛ از این‌رو رخدادهای مهم و اثرگذار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی گوناگون بر لایه‌های هویتی افراد، گروه‌ها و ملت‌ها می‌افزاید و ساختمان هویتی آنان را متحول و متأثر می‌سازد. زمان و زمینه‌پروردگی هویت موجب می‌شود شاکله هویتی واحدهای انسانی ضمن برخورداری از خصیصه استمرار و پیوندیابی با گذشته، واجد عناصر و چینه‌هایی افزون‌تر شود

هویتی معنادارتر می‌نمود و گروه‌ها و ملت‌ها امکان و قابلیت بیشتری برای پاسداشت ممیزه‌های هویتی و تأثیرناپذیری از محیط بیرونی داشتند؛ اما با گام‌نهادن بشریت به هزاره سوم میلادی که با دستیابی به فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی قرین شده است، سرعت دگرذیسی‌های هویتی تشدید شده که با شیشه‌ای شدن مرزها و کم‌اثرساختن دیوارهای حمایتی و صیانتی، امکان انتقال آموزه‌های معنابخش هویتی تسهیل و تسریع و متقابلاً نگاهبانی از عناصر هویت ملی با چالش‌هایی جدی روبرو شده است.

علاوه بر این محیط و روندهای نوپدید که آثار و پیامدهای ژرف ساختاری در فرایند هویت‌یابی و هویت‌سازی دارند، مسئله انکارناپذیر دیگر که نسبتی وثیق با موضوع هویت دارد، واقعیت گوناگونی و تنوع است که با دلالت‌ها و الزاماتی خاص همراه است. گوناگونی موضوعی دویعدی است و کارکردی دوگانه دارد: از یک سو پویایی جاذبه و زیبایی می‌آفریند و به شناسایی «دیگران» و «غیر» می‌انجامد و از سوی دیگر استعداد زایش تقابل، واگرایی و منازعه در مناسبات اجتماعی دارد؛ به بیان دیگر همسازی و واسازی، سازگاری با اعضا و ناسازگاری با اغیار و دگرستیزی و دگرپذیری دو بعد گوناگونی محسوب می‌شوند. گوناگونی، غیریت و هویت ملازم یکدیگرند؛ زیرا شناسه‌های نامتشابه، واحدهای اجتماعی و سیاسی را در مقوله غیر، دیگری یا برون‌گروه و ویژگی‌های مشترک آنان را در مقوله «خودی» یا «درون‌گروه» قرار می‌دهد و بدین ترتیب گوناگونی با هویت پیوند می‌یابد و باعث تمایز و جداسازی ما از دیگران می‌شود. این جداسازی و مرزبندی و کوشش برای اثبات و حمایت از خود و نفی غیر و توجه نابسند به وجوه تشابه گروه‌ها موجب پتانسیل واگرایانه گوناگونی می‌شود و چه بسا بر اثر کاربست رویکردها و سیاست‌های نامناسب،

و حالت نوشوندگی پیدا کند؛ برای مثال حوادث عظیم و رویدادها و روندهای عمده جهانی نظیر انقلاب صنعتی، نهضت نوزایی، گفتمان مدرنیته و پسامدرنیته و وقوع تحولات مهم و ژرف داخلی مانند امواج مهاجرت یا وقوع انقلاب فراگیر سیاسی و فرهنگی در آفرینش و اشاعه دقایق گفتمان‌های هویتی و صیقل دادن هویت‌های موجود و ترمیم آنها نقشی بسزا ایفا می‌کند.

هویت ملی به مثابه یکی از سطوح عالی هویت جمعی، نسبت افراد را با کشور و جامعه ملی نشان می‌دهد و به فرایند پاسخگویی آگاهانه اعضای ملت به پرسش از کیستی گذشته و حال، خاستگاه اصلی و دائم و سهم و جایگاه خود در آفرینش فرهنگ و تمدن جهانی اشاره می‌کند و از رهگذر چنین تعریفی احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک ملی، سرزمین و دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات و مردم و دولت در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی شکل می‌گیرد و در مواقع گوناگون به اشکال مختلف ابراز می‌شود. هویت به منزله امری در حال شدن پیوسته، در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه بر بستر و زمین موقعیت‌ها و مناسبات فرهنگی - اجتماعی و سیاسی می‌روید و ریشه در رویه‌های پیچیده گفتاری، تاریخ، جغرافیا و سرزمین، ساختارها و مناسبات فرهنگی و نقش آفرینی نیروهای هویت‌ساز به‌ویژه کنشگری قدرت سیاسی دارد و همه اینها موجب چندگانگی منابع و مظاهر هویت جمعی می‌شود. تعدد و تکثر منابع هویت به‌ویژه در عصر حاضر که انسان دوره مدرن با قدرت عاملیت و سوژگی خود به شکل بازاندیشانه توانایی شکل‌دهی به هویت خویش را یافته است، واقعیتی انکارناپذیر شده است.

گفتنی است در گذشته به دلیل فقدان مبادله یا کم‌شتاب‌بودن دادوستد هویتی گروه‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر میزان سیالیت هویت کمتر و ثبات

مفاهمه، اعتماد متقابل، مشروعیت، امنیت، مشارکت و رقابت به جای بی‌ثباتی، خشونت، منازعه و ناامنی خواهد بود.

از نظر گاهی دیگر، شناسایی تنوع با ضرورت گسترش کنش‌های ارتباطی و عقلانی گفتگو محور رابطه‌ای محکم می‌یابد؛ زیرا دلالت گفتگو این است که «دیگری» در فضای ذهنی و محدوده حضور «ما» حاضر شده و بینش و کنشش مورد اعتنای جدی قرار گرفته و وجود «ما» نیز نزد او به رسمیت شناخته شده است که افزایش ضریب تساهل و تحمل و احترام به آرا و عقاید یکدیگر و تقلیل گرایش به اجبار و یکسان‌گردانی از عرصه سیاست و اجتماع رخت بر می‌بندد و رقابت مسالمت‌آمیز و مشارکت خودانگیخته جانشین آن می‌شود.

با توجه به واقعیت گوناگونی می‌توان کشور ایران را جامعه‌ای متنوع دانست که ظرف هویتی آن به مثابه ملتی کهن و تاریخی در بستر تحولات تاریخی و بر اثر تلاقی و تبادل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های کهن و نوین مانند تمدن‌های رومی، یونانی، مسیحی، اسلامی و تمدن نوین غرب و تجربه تعاملات و تبادلات دوستانه یا خصمانه مانند جنگ‌های گوناگون با رومیان، مقدونیان، اعراب، مغولان، عثمانیان، روسیه تزاری و تماس با آموزه‌ها و ایدئولوژی‌های نوین پر شده و هویت آن بیکریندی شده است و تنوع فرهنگی (قومی، زبانی، دینی و مذهبی) آن ایران را نمودی از جوامع تکثرگرا ساخته است که گروه‌ها در عین تنوع و تکثر، با همزیستی کم‌نظیری هویت ایرانی را در مسیر پرفرازونشیب تحولات تاریخی حفظ کرده و نمونه بارز وحدت در کثرت را به نمایش گذاشته‌اند. تنوع فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران موجب شده است از مقطع تکوین دولت - ملت موضوع وحدت و هویت ایرانی و نسبت آن با هویت‌های

به تبعیض و نابرابری، نقض و نفی حقوق اساسی دیگران و به‌طور کلی خشونت و ستیزه منجر شود و دهشتناک‌ترین تراژدی‌های تاریخ بشر را به بار آورد.

در ارزیابی کلی الگوهای مدیریت تنوع و گوناگونی، دو رهیافت را می‌توان از یکدیگر باز شناخت: رهیافت اول به نفی شناسایی اصل گوناگونی و انکار جامعه مبتنی بر تنوع فرهنگی ناظر است. نتیجه قهری چنین رهیافتی امحا، تخریب و ریشه‌کن کردن تمامی اشکال و آموزه‌های فرهنگ‌های غیر خودی و به‌حاشیه‌راندن حاملان و عاملان آنها از طریق نسل‌کشی یا پاک‌سازی قومی و فرهنگی و شبیه‌سازی اجباری به هدف تحقق جامعه تک‌فرهنگی است. بدیهی است چنین شیوه‌ای موجب نادیده‌انگاری مواریث و سرمایه‌های غنی فرهنگی جامعه می‌شود و از رشد و بالندگی سیاسی - اجتماعی و شکوفایی نیروها و استعدادها بالفعل و بالقوه جامعه باز می‌دارد. رهیافت دوم بر به‌رسمیت‌شناختن، پذیرش، ترغیب و زمینه‌سازی برای بقا و مانایی و حتی ارتقا و بالندگی فرهنگ‌های مختلف و صداهای گوناگون تأکید می‌ورزد و می‌کوشد حاملان و عاملان فرهنگ‌های مختلف به حفظ آموزه‌ها و ممیزه‌های فرهنگ خویش نایل آیند. در این رهیافت اتحاد، همگرایی و سازگاری جایگزین یکسان‌سازی، همانندگردانی و ستیزه می‌شود. پذیرش گوناگونی با نفی رویکرد استعلائی یک گروه و فرهنگ بر سایر گروه‌ها و فرهنگ‌ها از یک سو مانع بی‌عدالتی، تبعیض و نابرابری می‌شود و از سوی دیگر از شبیه‌سازی، همسان‌گردانی و تک‌صدایی نیز فاصله می‌گیرد و ضمن به‌رسمیت‌شناختن تنوع و تکثر و احترام به حق حیات حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی با تراحم، تشمت، پراکندگی و چندپارگی نیز ملازمتی ندارد. همچنین از منظر سیاسی پیامد شناسایی تنوع و گوناگونی نشستن ثبات، همزیستی مسالمت‌آمیز،

فروملی مانند تعلقات قومی، قبیله‌ای، طایفه‌ای، نژادی، زبانی و مذهبی مطرح نظر سیاستمداران و اندیشه‌ورزان قرار گیرد. هویت ملی که به منزله احساس تعلق روحی به ملتی معین با جغرافیا، تاریخ و فرهنگ مشخص است، حداقل در تئوری نافی هویت‌های خرده‌ملی نیست، بلکه ضمن پذیرش تنوع هویت‌های فروملی، آنها را در طول و نه عرض هویت ملی می‌شناسد.

ایران کنونی به مثابه کشوری متنوع، متشکل از گروه‌های قومی، مذهبی و دینی گوناگون با اشتراکات فراوان فرهنگی و برخی تمایزهاست و در میان عناصر هویتی آن فرهنگ، دین، ذهنیت و وجدان تاریخی مشترک و تجربه درازدانه و دیرپای همزیستی مسالمت‌آمیز در جغرافیای مشترک از وزن و برجستگی بیشتری برخوردار است؛ بنابراین هنگام بررسی هویت ملی ایرانی یا سیاستگذاری هویتی و فرهنگی باید بقایای دقایق و ظرایف هویتی ایران پیش از اسلام، ایران دوره اسلامی و دستاوردهای هویتی ناشی از تماس و آشنایی با دو رویه تمدن نوین غربی را همزمان مد نظر قرار داد. دلالت آشکار واقعیت انباشتی و چندلایه هویت ملی ایرانی این است که افراط و تفریط و یکسویه‌نگری در مطالعه و سیاستگذاری هویت ملی ایرانی نوعی نادیده‌انگاری واقعیات مسلم تاریخی است؛ از این رو تأکید بر باستان‌گرایی یا ناسیونالیسم شوونیستی به بهای نفی هویت اسلامی یا مدرن یا تأکید بر دین‌گرایی صرف به بهای نفی و حذف پیشینه و حافظه تاریخی ایرانیان یا شیدایی و دل‌بستگی به مظاهر تمدن نوین غرب به بهای فراموشی گذشته و حال جامعه ایرانی هیچ‌یک عالمانه و واقع‌بینانه نیست.

دلالت مهم دیگر گزاره یادشده این است که هویت ملی به عنوان احساسی جمعی که مشروط به وجود اشتراک فرهنگی وحدت معنایی است،

پدیده‌ای در حال سیورورت است و در طول زمان مشمول تغییر و تحول می‌شود و نیازمند تقویت و تأیید دائم است و بنابراین بازتعریف مفهوم معنابخش هویت در اعصار مختلف ضروری به نظر می‌رسد؛ به عبارت دیگر واقعیت‌های تجربی و تاریخی نشان می‌دهد هویت‌یابی و هویت‌سازی ملی فرایندی همیشگی و ناتمام است و نباید به اشتباه تصور کرد که وقتی ملتی شکل گرفت، به‌خودی‌خود تداوم پیدا می‌کند و به هیچ تلاش و سازوکار و نیروی پشتیبانی‌کننده نیاز ندارد، بلکه برعکس ملت و روح ملت‌بودگی در معرض فراز و فرود و چالش‌های جدی قرار دارد که مواجهه هوشمندانه با آن مستلزم اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است؛ از این رو حتی اگر فرایند ملت‌سازی در جامعه‌ای تاریخی و کهن در برهه‌هایی محقق شده باشد، نیاز است کارگزاران هویت‌ساز با مشارکت یکدیگر، با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب، با به‌رسمیت شناختن تنوع فرهنگی، ایجاد عدالت اجتماعی، ترمیم شکاف‌ها و تفاوت‌های اجتماعی و تقلیل ظرفیت قطبی‌سازی و پتانسیل تفکیک و تمایز جدی و عمیق اجتماعی و حذف و کاهش عوامل برون‌رانی، هویت جمعی ملی را ارتقا بخشیده و احساس ملت‌بودگی را تقویت کنند و بدین وسیله حس پیوستگی، تعلق، دل‌بستگی و وفاداری مدنی شهروندان را ایجاد کنند و استمرار بخشند و از این رهگذر همبستگی اجتماعی و سرزمینی را محقق سازند.

نیل به چنین وضعیتی مستلزم شکل‌گیری دولتی فراگیر است که از ساخت‌بندی سیاسی مردم‌سالار، صورت‌بندی فرهنگی تنوع‌پذیر، نظام اقتصادی عدالت‌پایه و نظام حقوقی شهروندمحور برخوردار باشد تا جهت

سیاست‌ها معطوف به تمهید بسترهای مشارکت، امنیت و منزلت همگانی و تأمین نیازهای همه شهروندان و ایجاد و ارتقای برابری فرصت برای همه اعضای ملت، برابری عاملیت یا کارگزاری برای ایفای نقش و انتفاع همه گروه‌ها و کلیه شهروندان باشد تا در پرتو آن اعضای ملت احساس کنند به اجتماعی واحد و مشترک تعلق دارند، آزادانه در اتخاذ تصمیمات سیاسی درباره آینده‌شان مشارکت کنند و هرکسی در آن جامعه ارزشی برابر دارد. در چنین حالتی، همبستگی ملی و انسجام اجتماعی با تنوع و تکثر فرهنگی - اجتماعی هم‌نشین می‌شود. همان‌گونه که گفتیم، فرایند هویت‌یابی و هویت‌سازی ملی از وقوع رخداد‌های مهم و الهام‌بخش اثر می‌پذیرد که در تاریخ معاصر ایران می‌توان به جنگ‌های ایران و روسیه، تماس گسترده با جهان غرب، انقلاب مشروطیت، اصلاحات امیرکبیر، سیاست‌های ملت‌سازی یکسونگر و همسان‌ساز رژیم پهلوی، نهضت ملی دکتر مصدق و از همه مهم‌تر وقوع انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد. انقلاب اسلامی که سویه پرشدت فرهنگی و هویتی داشت، در کنار اهداف و دعاوی سیاسی، شالوده‌ریزی بنیان‌های هویتی نوینی را هدف‌گذاری کرد که به‌طور ماهوی با مبانی معرفتی و هویتی باستان‌گرایانه، ناسیونالیستی و مدرنیستی، ناهمساز بود و حتی نسبتی آنتاگونیستی داشت؛ از همین رو در موقعیت و فضای ایدئولوژیک و تنش‌آلود سیاسی و رقابت‌گفتمان‌های هویتی سال‌های تدوین قانون اساسی و متعاقباً تدوین سایر اسناد فرادستی مانند برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله کوشید گفتمان هویتی خود را در منصب و مسند هژمونیک بنشانند. اگرچه در بستر تحولات چندوجهی چهل سال گذشته و همراه با فراز و فرود گفتمان‌های سیاسی در ساحت جامعه، وزن عناصر و

مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در میدان برنامه‌نویسی و سیاست‌گذاری دستخوش برخی دگردیسی‌های معنادار شده است و در بعضی ادوار رویکرد هم‌نشینی مؤلفه‌های هویتی و در برهه‌هایی دیگر رویکرد جانشینی در ساحت رسمی تعقیب شده و چیرگی یافته است و صرف‌نظر از اینکه ساحت اجتماعی غیررسمی در برابر ساحت سیاسی رسمی چه فعل و انفعالی نشان داده است، تحلیل میزان اهمیت و برجستگی عناصر هویت ملی ایرانی در اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران پژوهشی لازم و سزاوار توجه است که نویسنده کتاب حاضر کوشیده است با تحلیل محتوای آنها بدین مهم نایل آید و گام اولیه را برای گشودن افق‌های مباحثه و گفتگوی عالمانه درباره این موضوع بسیار بنیادین که نیاز مغفول جامعه کنونی ماست، بردارد. اینکه نظام برآمده از انقلاب اسلامی حدود چهار دهه از عمر پرتلاطم خود را سپری کرده و زیست‌جهان ایرانی را در تصرف خود داشته است، مذاقه دانش‌ورانه، پرسشگرانه و نقادانه درباره دعاوی و کارنامه هویتی آن امری به‌غایت لازم به نظر می‌رسد. بدیهی است چشم‌اندازهای گوناگون معرفتی و ایدئولوژیک، دریافته‌ها و داوری‌های متفاوتی درباره آن خواهند داشت و صاحب این قلم نیز کوشیده است ادراک خود را از نسبت بین عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران با صاحبان نظر و اندیشه به اشتراک بگذارد و موضوعاتی برای بحث و نظرورزی در پیشخوان گفتگوی علمی قرار دهد. امید است هویت‌پژوهان ایرانی با مشارکت در گفتگو پیرامون «هویت ملی ایرانی» و ملحقات و متعلقان آن به غنای فزاینده‌اش کمک کنند. قانون اساسی ذیل بند ۶ اصل دوم ضمن تأکید بر کرامت ذاتی انسان، بر تساوی همگانی آنان تأکید داشته و

چگونگی استمرار و رفع موانع تحقق و تداوم آن ضرورتی انکارناپذیر است و برای واحدهای سیاسی - اجتماعی نامتجانس، متکثر و چندپارچه این ضرورت مضاعف می‌شود.

علی کریمی مله

استاد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را نفی می‌کند و همچنین قسط، عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند. چنان‌که پیداست، قانونگذار در همین فصول آغازین، اصل برابری و مساوات و نفی تبعیض که منجر به تحقق همبستگی ملی خواهد شد، در مظان توجه قرار داده است که هر یک از ستون‌های سیاستگذاری اجتماعی و اهداف محوری آن تلقی می‌شوند. قانون اساسی جمهوری اسلامی در ساماندهی به گفتمان هویتی خود از موضع سیاست اجتماعی درصدد برآمد تا دایره‌فراگیری خود را به ورای معیارهای محدود و تمایزبخش قومی ببرد. تأکید بر نقش نهادهای آموزشی در آفرینش همبستگی ملی به معنای استحاله و امحای خرده‌فرهنگ‌های قومی و زبانی کشور نیست، بلکه تکامل و شکوفایی فرهنگ ملی بر پایه مشترکات و وجوه متعالی عناصر همه خرده‌فرهنگ‌ها استوار می‌گردد و قوام می‌یابد.

در جهان کنونی به واسطه انقلاب اطلاعات و ارتباطات که از ویژگی‌های بارز آن تحکیم فرایندهای جهان‌گرایانه و تغییر مفهوم محدوده‌های فیزیکی مکان و کاهش زمان لازم برای تهیه و فراوری اطلاعات و روشن‌تر شدن افق تحقق جامعه انسانی است، ما ناگزیر از بازتعریف مفهوم هویت و بازشناخت چگونگی تعامل موضوعات بومی و جهانی هستیم؛ بنابراین تأمل درباره نسبت هویت ملی و جهانی‌شدن و راه‌های حفظ ثبات فرهنگ و هویت ملی ضروری به نظر می‌رسد. نیل به وفاق و تداوم همبستگی دل‌مشغولی اصلی رهبران، گروه‌های اجتماعی و نظام‌های سیاسی است؛ زیرا استمرار چنین واحدهایی مرهون بقای احساس تعلق و پیوستگی اعضای آن است؛ از این رو جستجو و شناسایی مبانی همبستگی، روش‌های ایجاد احساس تعلق،